

متن پرسش

سلام آقای طاهر زاده، خیلی دوست داشتم که در ارتباط با علم بدونم که جایگاهش در نظام توحیدی کجاست روی این سوال هم خیلی فکر کردم که جایگاه علم در نظام توحیدی چیه؟ به لطف خدا به نتایج خیلی خوبی هم رسیدم مخصوصاً با خواندن کتاب "منزلت عقل در هندسه معرفت دینی" استاد جوادی آملی همه چیز برایم روشن شد، اما یک مشکل اینجا بود که ما در رشته های مهندسی بیشتر می‌خواهیم از این فرمولها و قواعد استفاده کنیم در جهت اهدافمون و اون بحث خشیت اصلا پیش نیاد یا کمتر پیش میاد، همش در تحلیل هستیم برای رفع نیاز خودمون، و همیشه این خیلی من رو سرد میکنه، به نظرم بحث خشیت تنها در رشته های "علوم پایه" باید اتفاق بیفته از طرف دیگر به نظرم ما با همین علوم پایه را هم درست یاد نمیگیریم نظام آن نظام "حافظه محوری" است و اصلا تجربه نمیکنیم و اصلا متوجه نمیشیم که این افراد چه طور توانستند به این موضوعات پی ببرند احساس میکنم تنها حفظ میکنیم. (!؟) کتب غرب شناسی شما را خواندم اما راستش نتوانستم راهی درست را پیش بگیرم، حالا تکلیف دانشجویان مهندسی چیست در این زمینه فکری، و چطور میتوانیم به مسئله خشیت بپردازیم؟ (جدا از مسئله مفید بودن در زندگی و ساختن کشور) اگه تمام این جهان پدیده اومده تا نشانه و دلیل و آیت راه ما باشند تا ما پروردگاران را بهتر بشناسیم و این تعریف را که با رشته خودم که عمران و معماری است می‌سنجم اصلا جور در نیاد، اصلا نمیتونم اون نگاه درست که آقای جوادی آملی میگن رو وارد رشته خودم بکنم احساس میکنم اون تعریف فقط برای علوم پایه است. نمیدونم شاید نگاهم اشتباه باشه!

متن پاسخ

باسمه تعالی، سلام علیکم: آنچه موضوع را مشکل کرده نگاهی است که غرب به عالم و آدم دارد که اولاً: همه چیز را مستقل و بریده از خدا می‌بیند و ثانیاً: نگاه حصولی بر نگاه حضوری غلبه دارد و این نه تنها موجب خشیت نمی‌گردد بلکه موجب کبر می‌شود در حالی که اگر بدانیم علم حقیقی علمی است که با انس قلب با عالم غیب حاصل می‌شود می‌فهمیم هر اندازه در ایجاد سجایای اخلاقی بیشتر تلاش کنیم بیشتر آماده‌ی تجلی انوار غیبی می‌گردیم. سعی شده در کتاب «آن‌گاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود» این مسئله تبیین شود. موفق باشید